

شیرین شیرینی

۱



# لشکار ولایت آذربایجانی

گلستان

مقدمه، گزینش و شرح ابیات  
دکتر مرضیه افخمی ستوده



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اشعار ولایی آذری اسفرایینی  
(۷۸۴-۸۶۶ق)

مقدمه، گزینش و شرح ابیات  
دکتر مرضیه افخمی ستوده

آذری اسفرایینی، حمزه بن علی.  
اشعار ولایی آذری اسفرایینی.  
مقدمه، گزینش و شرح ایيات: مرضیه افخمی ستوده.  
تهران: کتاب نیستان. ۱۴۰۰.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۸۱۸-۷  
شعر فارسی، قرن ۹. تاریخ و نقد.  
افخمی ستوده، مرضیه.  
PIR ۵۶۵۴  
۸۱ / ۳۳  
۷۶۶۴۵۵۶

♦  
شکوه شعر شیعی ۱  
اشعار ولایی آذری اسفرایینی  
آذری اسفرایینی  
مقدمه، گزینش و شرح ایيات:  
مرضیه افخمی ستوده  
کتاب نیستان  
چاپ اول ۱۴۰۰ ۸۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۸۱۸-۷  
چاپ و صحافی: سپیدار  
نیستان: ۲۲۶۱۲۴۴۳-۵  
۶۷۰۰ تومان  
ارتبط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲  
[www.neyestanbook.com](http://www.neyestanbook.com)  
♦

## فهرست اجمالی مطالب

مقدمه •

اشعار ولایی •

قصاید توحیدی ○

قصاید علوی ○

قصاید رضوی ○

سایر اشعار ولایی ○

غزلیات ○

نمایه‌ها •

منابع •

فهرست تفصیلی •

## بسم الله النور

یکی از تنومندترین و ارجمندترین شاخه‌های ادبیات فارسی، ادبیات شیعی است؛ میراثی عظیم از نظم و نثر در مدح و مرثیه اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و مجموعه‌ای سترگ از معارف شیعی. با تحریر و تأثیر باید گفت که این میراث مکتوب، به شکلی شگفت، دیده نشده و سهم و قدرش در ادبیات فارسی ناشناخته مانده است. البته در دهه اخیر گام‌های خوبی در این حوزه برداشته شده؛ اما هنوز تا رسیدن به حد مطلوب فاصله بسیار است.

از سال ۱۳۹۰ گروهی از دانشجویان ارشد و دکتری ادبیات فارسی، دست به دست هم دادیم تا به قدر توانمان در شناختن و شناساندن این میراث معنوی بکوشیم. بدین ترتیب، مؤسسه ادب پژوهی شیعی (سلیس) شکل گرفت.

امید که گام‌های سلیس در راهش استوار بماند و ثمرة خدماتش روزاروز به کام مشتاقان ادبیات شیعی گوارا بیاید؛ آمین!

## مقدمه

### به نام آن که جان را فکرت آموخت

بخش درخور توجهی از میراث ارزشمند زبان و ادبیات فارسی، متعلق به ادبیات شیعی<sup>۱</sup> است که متأسفانه به دلایل گوناگون سیاسی و اجتماعی، همچنین حوادث مورد عنایت قرار نگرفته و قدر آن ناشناخته و دور از انتظار باقی مانده است. امروز باید به این نکته توجه داشت که برای مخاطبان دوران معاصر، مدح شاهان و درباریان مانند گذشته ارزشی ندارد؛ اما برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان امروز، منقبت بزرگان دینی جاذبیت و موضوعیت پیدا کرده است. بنابراین، بر آن شدیدم تا هر اثر مذهبی که به لحاظ ادبی نیز ارزشمند است، مورد توجه قرار دهیم. به همین منظور در این مختصر، منتخبی از اشعار آنینی آذری اسفراینی ارائه خواهد شد.

از عصر پیامبر ﷺ، شعرخوانی در زمینه دین و مذهب مرسوم بوده است. شاعران معتقد به باورهای دینی، هم در ادبیات عرب و هم در ادبیات فارسی، به منقبت‌گویی و مرثیه‌سرایی می‌پرداختند؛ اما با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی هر دوره، این جریان دچار جزر و مدهایی شده است. چنانچه در عصر خلافت پانصدساله عباسیان نیز شعر شیعی یا کمتر سروده می‌شد یا در پس ابر سیاست‌های زمانه پنهان می‌ماند. البته «از قرن هشتم به بعد، شاعران، آسان‌تر به منقبت اهل بیت علیهم السلام می‌پرداختند. برای آنکه مرکزی رسمی به عنوان خلافت اسلامی در بغداد وجود نداشت، در نقاط مختلف حکومت‌های شیعی پدید آمد؛ از جمله سربداران در خراسان، مرعشیان در مازندران و سادات مشعشع در خوزستان. این حکومت‌ها و نیز فعالیت‌های عالمانی شیعی همچون سید بن طاووس، میثم بن علی بحرانی و علامه حلی موجب تقویت و رواج مذهب شیعه گردید. بنابراین، شاعران توانستند در پیروی از عقاید خود و اشاعه آن به آزادی نسبی برسند.»<sup>۲</sup>

طی قرون نخست اسلامی به دلیل دلبستگی‌هایی که مردم ایران به فرهنگ پیش از اسلام داشتند، بسیاری از داستان‌های گذشته را ضمن آداب و رسوم اجتماعی خود حفظ کردند؛ اما به تدریج در بین آن اشعار، قصه‌هایی که حاوی نکات اخلاقی و دینی بود نیز راه یافت و در تاریخ ایران مسیر خود را گشود.

«در قرون پنجم و ششم، دو گروه به تبلیغ باورهای مذهبی می‌پرداختند: منقبت‌خوانان و فضائل‌خوانان. منقبت‌خوانانی در برابر فضائل‌خوانی برباشد. فضایل‌خوانان به مدح خلفاً و مناقب‌خوانان به مدح اهل‌بیت و چهارده معصوم علیهم السلام می‌پرداختند و از این روی می‌توان گفت مناقب‌خوانان نه تنها برای ابراز عشق و علاقه خود به خاندان رسالت، بلکه برای گسترش اندیشه‌های شیعی به این مهم دست زدند. انعکاس این منقبت‌خوانی و قصه‌خوانی را در قرن‌های بعدی در نقالی‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. البته در میان این قصه‌ها، افزودگی‌ها و کاستی‌هایی براساس مشی سیاسی و مذهبی موجود در جامعه رخ می‌داد. یکی از چهره‌های اصلی این داستان‌ها، امیر مؤمنان،

علی علیهم السلام است که بسیاری از قصه‌خوانان و شاعران به آن پرداخته‌اند.»<sup>۳</sup>

بعد از امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام، امام رضا علیهم السلام و امام زمان علیهم السلام نیز در مرکز توجه شاعران منقبت‌گوی قرار گرفته‌اند؛ اما محور اصلی توجه، امام علی علیهم السلام است. شاید بتوان گفت که علت این امر، مهم بودن موضوع جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و آله و آمه و بازگو کردن و تأکید بر جریان غدیر خم بوده است.

یکی از قدیمی‌ترین شاعران شیعه‌مذهبی که با صراحة تمام به منقبت اهل‌بیت علیهم السلام پرداخته، کسانی (۳۴۱-۳۹۰ق) است. همچنین مثنوی علی‌نامه، کهن‌ترین منظومه مفصل فارسی در ادبیات شیعی بوده که از سده پنجم باقی مانده است. به این ترتیب روشن می‌شود که شاعران فارسی زبان ایرانی که از پیروان تشیع بودند، با توجه به آثاری که از آنان بر جای مانده است، به مدح و منقبت پیامبر صلی الله علیه و آله و آله و آمه و ائمه اطهار علیهم السلام می‌پرداخته و به خلق آثار مذهبی کوشش داشته‌اند. به جز آثار نامبرده از قرون گذشته، احتمال دارد که آثار دیگری هم از آن ادوار وجود داشته باشد؛ ولی به دلایلی چون فاصله زمانی بسیار، حوادث روزگار، جنگ و غارت و عوامل طبیعی از میان رفته باشند. به لحاظ گستره جغرافیایی شعر شیعی، باید گفت که برخی نواحی نقش بیشتری در

نمایش این نوع شعر داشتند. تشیع در خراسان همچون منشوری است که از زوایای گوناگون درخشش داشته است؛ از جمله محدثان ادوار گذشته در این منطقه، قرار گرفتن تشیع زیدی در کنار تشیع امامی، بهویژه در ناحیه بیهق، نفوذ شیعیان در بخش اداری دولت سلجوقی، ارائه مقاهم شیعی در ایات شاعرانی چون فردوسی و کسانی، نفوذ اندیشه‌های اسماعیلیان در خطه خراسان و....

گسترش تشیع بهویژه از نظر ادبی، در خراسان سده‌های هشت و نه متأثر از عوامل مذکور است. شاعران بر جسته‌ای از شهرهای مختلف اطراف خراسان برخاستند که آتش عشق و محبت به خاندان آل رسول پنهان از دل و جانشان شعله می‌کشید و اشعار فراوانی در منقبت اهل بیت علیهم السلام سروdonدند. یکی از این سخن‌سرایان خراسانی، آذری اسفراینی است. به گفته حسن عاطفی در مقدمه دیوان سليمی از سده هشتم به بعد در مذهب تشیع، آثار ادبی بیشتری دیده می‌شود و این خود با چند موضوع ارتباط دارد: یکی، فاصله زمانی کمتر تا روزگار ما و دیگری، آزادی بیشتری که شیعیان در سرزمین‌های خود پس از سقوط بغداد یافته بودند. حکومت‌های محلی از این دوران به بعد در رابطه با شیعیان، انعطاف بیشتری نشان می‌دادند. با توجه تدریجی فرمانروایان مغول به اسلام، در سال ۶۹۴ق. غازان‌خان، مسلمان شد و جانشینان وی پس از او به مذهب تشیع گرویدند. همه این عوامل در فراهم آوردن آثار نویسنده‌گان شیعی، در سده‌های هشتم و نهم مؤثر واقع شده و زمینه را برای سروdon و نوشتن درخصوص اهل بیت علیهم السلام در روزگار صفوی و قرون بعدی آماده کرد.<sup>۴</sup>

«اگر ادبیات شیعی عصر صفوی ظهور چشمگیری دارد، قبل از آن در قرن هشت و نه، زمینه آن هم از نظر سیاسی و اجتماعی و هم به جهت ادبی به شکل منقبت‌گویی، فراهم شده بود.»<sup>۵</sup> با مطالعه و بررسی آثاری چون دیوان آذری و دیگر شاعران منقبت‌سرای قرون هشت و نه، درمی‌یابیم که قبل از دوران صفویه، شرایط برای سروdon شعر شیعی فراهم شده است. اگر محتشم کاشانی در قرن دهم با سروdon ترکیب‌بند معروفش در سوگ سالار شهیدان جاودانه می‌شود، قبل از او نیز بزرگانی مانند کمال الدین حسن کاشی که سرحلقه مناقب خوانان قرن هفتم به بعد است، غیاث شیرازی، آذری

اسفراینی، سلیمانی توئی و لطف الله نیشابوری در آسمان ادبیات شیعی درخشیدند؛ اما در پس ابر سیاست‌های زمانه خود پنهان ماندند. بنابراین، ضرورت ایجاب می‌کند تا شعر شاعران شیعه‌مذهب و آیینی سرا که تاکنون به طور جدی به آن‌ها پرداخته نشده است، زیر ذره‌بین رود و به عنوان نماینده شاعران این دوره که به اهل بیت **علیہ السلام** توجه خاصی داشته‌اند، قضاوت شده و به گونه‌ای سیر تطور شعر شیعی در این سه قرن نشان داده شود.

در کتاب پیش‌رو، یکی از این شاعران شیعه‌مذهب آیینی سرا انتخاب شده است و گزیده‌ای از اشعار آیینی او معرفی می‌شود. نگارنده در صدد است در آینده نزدیک، منتخبی از اشعار شاعران آیینی سرای سه قرن هفت، هشت و نه را که در سیر اشعار منقبتی ادوار بعد از خود جریان‌ساز بوده‌اند، معرفی کند و اشعارشان را شرح دهد.

## آذری اسفراینی

آذری اسفراینی (م. ۸۶۶ ق) یکی از ادبیانی است که بیشتر قصاید و ترکیب‌بندهای خود را به اهل بیت **علیہ السلام** اختصاص داده است. سبک گفتار این سخن‌سرا مورد توجه شاعرانی چون محتمش کاشانی و فضیحی، شاعر هم‌عصر او قرار گرفته است که این خود بر توانمندی آذری و مؤثر بودن سبک سخن‌سرایی او خبر می‌دهد. یکی از اقدامات آذری، شرح عبارات و واژه‌های دشوار دیوان شاعرانی چون خاقانی شروانی است که در کتاب مفتاح الأسرار به آن پرداخته است. دولتشاه سمرقندی (م. ۹۱۳ ق) که از نظر زمانی نزدیک‌ترین تذکره‌نویس به آذری محسوب می‌شود نیز در کتاب تذکرة الشعرا<sup>۷</sup> به این مطلب اشاره می‌کند.<sup>۸</sup> پس از آن، در قرن یازدهم، میرزا ابوالحسن فراهانی برای شرح کردن دیوان خاقانی، از اصطلاح الشعرا آذری و شرح واژه‌های مشکل دیوان خاقانی که از آثار شیخ آذری است، استفاده کرده و مطالب خود را از آن نوشته‌ها برگرفته است.<sup>۹</sup> این امر، خود حاکی از احاطه علمی و سطح بالای دانش آذری است.

## زنگی شاعر

بنا به گفته دولتشاه در تذکرة الشعرا، فخرالدین<sup>۹</sup> حمزه بن علی ملک بن حسن

طوسی اسفراینی، شاعر، عارف و مورخ پارسی‌گوی شیعی در آذرماه حدود سال‌های ۷۸۲-۷۸۴ ق. در اسفراین زاده شد. وی از آغاز جوانی به سروden شعر پرداخت و چون ولادتش در ماه آذر بود، «آذری» تخلص می‌کرد.<sup>۱۰</sup> برخی نام پدر وی را علی بن مالک<sup>۱۱</sup> ذکر کرده‌اند؛ اما در کتاب منتخب جواهر الأسرار که در سال ۸۴۰ ق. از جواهر الأسرار شیخ آذری برگزیده شده و ضمیمه اشعة اللمعات جامی به چاپ رسیده، نام پدر این شاعر علی ملک آمده است.<sup>۱۲</sup>

با توجه به آنچه در تذکره هفت اقلیم آمده است، پدر آذری از امیران سربداران بیهق بود؛ از این‌رو، نسبت او را بیهقی نیز گفته‌اند. پدرش علی ملک بن حسن طوسی بیهقی در زمان حکومت سربداران، صاحب اختیار اسفراین بود. نسبت آذری از سوی دیگر، به معین الدّعوة احمد بن محمد زمچی هاشمی مروزی می‌رسد.<sup>۱۳</sup> لقب او در برخی تذکره‌ها، نورالدین و در بعضی دیگر فخرالدین و جلالالدین آمده است.<sup>۱۴</sup>

آنچه از نوشته‌های خود آذری و تذکره‌ها استباط می‌شود، این است که خاندان او از رجال دربار تیموری بوده و او نیز در دوره‌ای به سبب شهرتش در شاعری به دربار تیموریان راه یافته است.<sup>۱۵</sup> وی در زمان حکومت شاهرخ (م. ۸۵۰ ق) در هرات به دربار او رفت؛ ولی به خاطر عدم تطبیق مقررات درباری با گرایشات درونی خود و قدم گذاشتن در مسیر فقر و عرفان، پس از چندی دربار را ترک می‌کرد.<sup>۱۶</sup>

آذری در ۱۶ سالگی (سال ۸۰۰ ق) در قراباغ همراه دایی خود که قصه‌خوان امیر تیمور گورگان بود، به خدمت شاه رفت. او با میرزا الْغَیْبَک در ایام طفولیت، آن‌چنان‌که اقتصادی شرایط کودکی است، بازی می‌کرد و حکایاتی برای وی می‌گفت. در سال ۸۵۳ ق. نیز که الْغَیْبَک خراسان را گشود و در اسفراین فرود آمد، آذری به خدمت وی رسید. شیخ آذری، زمان امیر عبداللطیف، فرزند الغیبک را نیز درک کرد و هنگامی که امیر عبداللطیف به حکومت عراق می‌رفت، در اسفراین به خانه شیخ آذری فرود آمد و شیخ، به او نصایحی فرمود و امیر کیسه‌ای زر در برابر شیخ نهاد؛ اما او از گرفتن آن امتناع ورزید.<sup>۱۷</sup>

بنا به گفته دولتشاه سمرقندی، آنچه سبب شد تا ارباب دولت طالب صحبت شیخ

آذری گردند و همواره نزد او آیند، طبع بلند و مقام وی بود؛ چنان‌که در سال ۸۵۵ق، سلطان محمد بایستقر میرزا به وقت عزیمت عراق به زیارت شیخ به اسفراین آمد و شیخ او را نصیحت کرد و سبب شد شاهزاده اعتقاد و ارادتی زیاد به شیخ پیدا کند و کیسه‌زری به او دهد؛ اما آذری هدیه سلطان را قبول نکرد و گفت:

زر که ستانی و برافشانی اش                  هم به از آن نیست که نستانی اش  
آذری تقریباً در چهل سالگی (۸۲۵ق) در شاهراه عرفان گام نهاد. این بیت که خود سروده، نقطه عطفی است در بازگشت او به خویشن خویش:

### آذری! عمر به بازیجه و غفلت بگذشت

آنچه باقی است مشوغافل و فرصت دریاب<sup>۱۸</sup>  
 «در زمان شاهrix، شمار فراوانی از اهل فرهنگ و ادب ایران در هرات به سر می‌بردند. او در سال ۸۱۳ق. مدرسه شاهرخیه را بنا کرد و کتابخانه‌ای در آنجا دایر نمود و دانشمندان و عارفانی چون محیی‌الدین غزالی طوسی و ناصر لطف‌الله را برای تدریس به آنجا فراخواند.»<sup>۱۹</sup> «آذری بعد از ترک دربار شاهrix با غزالی طوسی آشنا شد و تحت تأثیر و تعلیم او قرار گرفت و او را به عنوان رهبر و شیخ طریقتی خود برگزید.»<sup>۲۰</sup>  
 آذری با استاد خود، غزالی، به حج می‌رود و پس از حج به قصد جهانگردی، عازم هند گشت<sup>۲۱</sup> و مدتی را در دربار احمد شاه بهمنی (م. ۸۳۸ق) به سر برد؛ اما مانند بار اول، زندگی درباری و همنشینی دیوانیان را تاب نیاورد و آن را رها کرد و به وطن بازگشت. سپس سی سال بقیه عمر خود را در اسفراین به کار فرهنگی و سلوک عرفانی پرداخت.  
 مقبره او نیز امروز در اسفراین قرار دارد.<sup>۲۲</sup>

وابستگی آذری به سلسله طریقتی خاص عرفانی دقیقاً مشخص نیست و بهتر است او را سالگی آزاده به حساب آوریم؛ اما آنچه ذیگران درباره سلسله طریقتی و پیران او نوشته‌اند، این است که ابتدا به حلقة مریدان شیخ محیی‌الدین غزالی طوسی (م. ۸۳۰ق) در آمد و پنج سال در خدمت او به تحصیل علوم حدیث و تفسیر پرداخت و هنگامی که شیخ غزالی به سفر حج می‌رفت، با او همسفر شد.

«چون شیخ محبی الدین در سال ۸۳۰ ق. در حلب درگذشت، آذری از مریدان شاه نعمت الله ولی شد و از آن شیخ کامل، اجازه ارشاد و خرقه گرفت و دو نوبت پیاده حج گزارد و یک سال مجاور کعبه ماند. در مدتی که آذری در مکه مجاور خانه خدا بود، کتاب سعی الصفرا درباره تاریخ کعبه و آداب مناسک حج نوشته و پس از بازگشت، عازم هندوستان شد.»<sup>۲۳</sup> آذری یکی از مشایخ فکری و فرهنگی طریقتی و تاریخی خود را محمد بن مؤید سعد الدین حموئی<sup>۲۴</sup> (م. ۶۵۰ ق) معرفی کرده است. حموئی از دانشمندان و مشایخ بزرگ طریق تصوف بوده و آثار درخور توجهی در زمینه عرفان و تصوف تألیف و به فرهنگ اسلامی عرضه کرده است.<sup>۲۵</sup>

در کتاب شام غریبان<sup>۲۶</sup> آمده است که سلطان محمد جونا (جونه) والی گلبرکه دهلی، نبیره خضرخان، پنجاه هزار دینار در صحبت اول به آذری عطا کرد و او نپذیرفت. به سبب آنکه به شکرانه آن زر، بنا به رسم آن دیار، تعظیم و تکریم می خواستند و این بیت را سرود:

من ترک هند و جیفه چیپال گفته‌ام

باد بروت جونه به یک جونمی خرم<sup>۲۷</sup>  
 «آذری سپس قصد دکن کرد و به سلطان احمد شاه بهمنی پیوست و نبوغ ادبی خویش را با شرکت در «مديحه صلات» و سروdon قصاید غرّا به نمایش گذاشت و نزد او خدمت، احترام و اعتبار بسیار یافت و ملک الشعرا دربار او شد. شیخ بر حسب حکم سلطان احمد، سروdon منظومه‌ای را به نام بهمن نامه در تاریخ شاهان این خاندان آغاز کرده بود و هنگامی که شرح وقایع این کتاب به زمان احمد شاه رسید، آن را بر شاه عرضه کرد و رخصت خواست که به زادگاه خود، اسفراین خراسان بازگردد. احمد شاه به سبب ارادتی که به شیخ آذری اسفراینی داشت، کوشید او را از رفتنه منصرف کند و چنان که تذکره‌نویسان نیز نوشته‌اند، به او گفت: مرا از فوت سید محمد گیسورداز، رنجی عظیم رسیده و وصال تو دافع غم و اندوه است. مپسند که به فراق تو نیز مبتلا گردم. شیخ چون این قسم التفات از پادشاه دید، ماندن در هندوستان را ترجیح داد، به مصدق این بیت:

## چشم مسافر چو بر جمال تو افتاد

عزم رحیلش بدل شود به اقامت<sup>۲۸</sup>

«سرانجام، شیخ آذری به وساطت شاهزاده علاءالدین و با تعهد اتمام بهمن‌نامه اجازه بازگشت گرفت و عازم خراسان شد. او تا وقتی که زنده بود، برخی اوقات عزیز را به گفتن بهمن‌نامه صرف می‌کرد و قسمت‌هایی از آن را به دارالخلافة دکن در هندوستان می‌فرستاد. آذری با دکن همواره در ارتباط بود. در سال ۸۵۵ ق. شیخ آذری، مقتداًی سلطان علاءالدین، پسر سلطان احمد بهمنی بود و در ایام شاهزادگی با او الفت بسیار داشت و برای وی از اسفراین عریضه‌های طولانی مشتمل بر انواع سخنان مؤثر ارسال کرد که سلطان از مطالعه آن‌ها متأثر گشته، از شراب خوردن توبه فرمود.

آذری در حدود سال ۸۳۶ ق. از هندوستان به ایران بازگشت و به اسفراین آمد و قناعت پیشه کرد و فارغ از دنیاداری، سی سال بر سجاده طاعت نشست. این بیت بیانگر درد دوری او از زادگاه خویش است:

به نیم ساعت هجر آذری نمی‌ارزد

هزار سال گرش در جهان بقا بخشدند

آذری، عارفی مجرد، عالی همت و کم التفات به دنیا بود و همواره طالب صحبت و همنشینی اهل الله می‌نمود. وی در فضیلت و علوم ظاهر و باطن آراسته و در طریقت و مجاهدت، صادق و استوار بود. هنگامی که از هند به اسفراین رسید، بقعه‌ها و رباط‌های بسیار ساخت و املاک بسیاری بر آن‌ها وقف کرد تا پارسایان و نیازمندان و زائران و طالبان علم از آن بهره‌مند شوند.<sup>۲۹</sup>

## جایگاه آذری در جامعه روزگارش

آذری قبل از اینکه عازم هند شود، در اسفراین مورد احترام سربداران بود و زمانی که به هند سفر کرد، مورد اکرام پادشاهان هندی قرار گرفت. بعد از برگشتن از هند نیز اصحاب دین و ارباب ملک و ملل جهت تبرک به مصاحبتش می‌آمدند.<sup>۳۰</sup>

## ممدوحان آذری

آذری در غزلی با مطلع:

ای روی خوشت آینه شد اهل صفارا  
بگذار که در روی تو بینیم خدا را

علاءالدوله<sup>۳۱</sup>، فرزند احمد شاه بهمنی را در بیتی دعا کرده و می‌گوید:

از چشم بد خلق نگهدار، خدایا

فرزند خلف میر علادوله مارا<sup>۳۲</sup>

از دیگر ممدوحان آذری، با توجه به آنچه در مقدمه دیوان آمده است، می‌توان از فیروز شاه بهمنی برادر احمد شاه نام برد که در غزلی اشاره‌ای صوفیانه به وی دارد. همچنین در قطعه‌ای از شیخ شرف‌الدین که او را جزء ملوک شمرده، به نیکی یاد کرده است. ممدوح دیگر آذری، یکی از ملوک هند به نام کمال‌الدین محمود است که در غزل و قطعه‌ای کوتاه، او را به بزرگی یاد کرده است. وی در قطعه‌ای دیگر، از شخصی به نام شمس‌الدین نیز با عنوان «آفتاب روی زمین» یاد می‌کند.

نکته درخور یادآوری این است که حفظ آثار و ضبط سرودها در درجه نخست، با پدیدآورنده آن است و نبودن سروده‌های ستایشی در بین آثار آذری، دلیل بر آن است که وی پس از تغییر جهت زندگی و افتادن در مسیر طریقت، سروده‌های ستایشی خود را از میان آثارش برداشته است.<sup>۳۳</sup>

## تأثیرپذیری شاعران از سخن آذری

یکی از شاعرانی که از ترکیبات و مضامین آذری استفاده کرده، محشم کاشانی (م. ۹۹۶ ق) است که در ترکیب بند دوازده‌گانه خود، از ترکیب بند آذری که در مصیبت سید الشهداء علیهم السلام سروده، استفاده کرده است:

آذری:

روزی که چتر روح به صحرای تن زند

کوس بلا به نام حسین و حسن زند<sup>۳۴</sup>

محتمم کاشانی:

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زند

اول صلا به سلسلة انبیا زند<sup>۳۵</sup>

آذربای:

آه از دمی که زد به جفا شمر خاکسار

بر بوسه گاه سید ما تیغ آبدار<sup>۳۶</sup>

محتمم:

آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم

کردند رو به خیمه سلطان کربلا<sup>۳۷</sup>

آذربای:

آن دم چرا زمین و زمان سرنگون نشد

خاک سیاه بر سر گردون دون نشد<sup>۳۸</sup>

محتمم:

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی

وین خرگه بلندستون بیستون شدی<sup>۳۹</sup>

محتمم در قصیده‌ای که در منقبت امام علی<sup>علیه السلام</sup> سروده است، به نام شعرای پیشین از جمله آذربای اشاره کرده و می‌گوید:

## زور شعر کاتبی، سوز کلام آذری

گرمی انفاس کاشی، مدحت ابن حسام<sup>۴</sup>

برخی از شاعران معاصر آذری از جمله فصیحی، غزل‌هایی را از او انتخاب کرده و از

آن‌ها مختص ساخته‌اند.<sup>۵</sup>

## معاصران و شاگردان شیخ آذری

«از جمله معاصران شیخ آذری، به این افراد می‌توان اشاره کرد: علی شهاب ترشیزی، مولانا معین الدین جوینی، ابواسحاق شیرازی، بابا سودایی ابیوردی، بساطی سمرقندی، امیرشاهی سبزواری، خواجه فخرالدین اوحد مستوفی، مولانا یحیی سبیک، مولانا سلیمی تونی، خواجه صاین الدین ترکه اصفهانی، فاضل حسین خوارزمی، محمد حافظی بخارایی، شرف الدین علی یزدی و... امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی جفتایی معروف به شیخ سهیلی نیز از شاگردان آذری بوده که تخلص «سهیل» را آذری اسفراینی به او داده است». <sup>۶</sup> از دیگر شاگردان آذری، طالب جاجری و خاتون عفت عفتی اسفراینی است که تذکره‌نویسان گاهی او را «عشقی» نوشته‌اند. شاید «عشقی» تخلص این شاعر اسفراینی بوده باشد. بنا به گفته مؤلف جواهر العجائب، «عفت، کنیز ملا آذری بود و از فیض صحبت ملا، نغمه به آهنگ می‌سرود». <sup>۷</sup> جامی نیز از شاعران هم‌عصر با آذری بوده که ظاهرًاً با شیخ اسفراینی دشمنی داشته است.<sup>۸</sup>

## مذهب آذری

آذری در زمانی می‌زیسته که مذهب شیعه تا حدودی رایج شده و رو به گسترش بوده است؛ ولی حکومت شیعه مذهب صفوی، هنوز مستقر نشده بود و او به سبب مصلحت‌اندیشی یا به سبب بینش عرفانی خود، روش گذشتگان را در سخنوری رعایت کرده است. در خور ذکر است که «قرن نهم و زمان زندگی آذری، بزرخی میان زوال اهل تسنن و روی کار آمدن حکومت شیعی و اقتدار شیعیان در کشور است. آذری در حالی که

پیرو مذهب شیعه بوده، به آن جهت که در ابتدای کار به دربار گورکانیان سنی مذهب وابستگی داشته است، ناگزیر در نوشهای خود جانب احتیاط را رعایت کرده و از خلفای راشدین به احترام و ادب یاد می‌کند. متأسفانه کتاب بهمن‌نامه و دیگر سرودهای مذهبی او در دست نیست تا دانسته شود که او در دوره خدمات درباری چگونه می‌اندیشیده و شاهان تیموری و سلاطین بهمنی را چگونه می‌ستوده است.<sup>۴۵</sup>

به گفته دولتشاه، آذری پس از گذراندن یک دوره زندگی درباری، همچون برخی از ادبیان مانند امام محمد غزالی و سنایی، از سخنوری‌های گذشته خود پشیمان شده و عزلت‌گزینی را پیشنه خود ساخته و به سرودن قصاید دینی و مذهبی و غزلیات عرفانی پرداخته است.<sup>۴۶</sup> او قصاید متعددی در نعت پیامبر ﷺ و مناقب ائمه شیعه علیهم السلام سروده است و در بین امامان، علاقه زیادی به امیرالمؤمنین و حضرت رضا علیهم السلام نشان می‌دهد. از اشارات شاعر در دیوانش، معلوم می‌شود که او اشعار منقبتی خود را در مجامع عمومی یا مذهبی می‌خوانده است؛ چنان‌چه در یکی از قصایدی که در مدح امام رضا علیهم السلام سروده، می‌گوید:

رحمی که می‌گوییم ز جان مدح امام هشتمین

در محفل و در مجلس و در مجمع و در انجمن<sup>۴۷</sup>

یکی دیگر از نشانه‌های اعتقاد شیعی او، تقاضای ظهور است:

تو جهان نعمت و ما مشتهی ناشتا در دم ابلیس فرزندان تو نبود روا کی توان زین موج بیرون آمدن بی‌آشنا؟ چشم می‌دارند زانفاس تو ای عیسی شفا! در امور دین مکن بوجهل بدعت را رها ذوالفقار حیدری را باز برکش در غزا از بزید نفس برهان ای حسین! این روح ما <sup>۴۸</sup>	ای تو دریای زلال و ما همه تشنه زده! توبه جای آدمی امروز و ما اولاد تو نوح وقتی، ما همه در بحر طوفان غرقه ایم عیسی وقتی و خلقی جمله بیماران تو ای به جای مصطفی در جمله احکام دین! مرتضای ثانی ای! بر کن بروت خارجی تو حسین وقت و ما در کربلا محتشم
---	---

ابیات ذیل نیز بر ولایت پذیری شاعر دلالت دارد و در منقبت امام علیهم السلام سروده شده است:

گرچه اصحاب محمد در نبوت عالمند

لیک در طور ولایت افضل و اعلم یکی است

هر که از نقد ولایت قلب را بیرون نکرد

پیش او مال بطالت با زر طلع<sup>۶۹</sup> یکی است<sup>۷۰</sup>

اعتقاد شاعر به دوازده امام علیهم السلام:

بر آسمان ولایت دوازده برج اند

چو آفتاب نبوت همه به اوچ کمال<sup>۷۱</sup>

شاعر به اینکه مداح اهل بیت علیهم السلام است، صراحتاً اشاره دارد:

مداح اهل بیت نبی آذری منم

چون طوطی شکرشکن شکرین مقال<sup>۷۲</sup>

زین جمله آذری است، یکی کمترین شان

مداح اهل بیت شما در گه مقال<sup>۷۳</sup>

آذری ایاتی دارد که نشان‌دهنده اعتقادات کلامی اوست:

که ره نیافت به صنعش کسی به هیچ دلیل

مدّسان خرد راست منزل تعطیل

که بر وجود خدا هم وجود اوست دلیل

به غیر گفتن تکییر و خواندن تهیل<sup>۷۴</sup>

تبارک اللّه ازین نقشبند لیل و نهار

مقدری که در ادراک کنه قدرت او

مجو دلیل دگر بر وجود حضرت او

نتیجه‌ای ندهد فکر کبریایی او

## ویژگی‌های اخلاقی آذری

برخی از ویژگی‌های اخلاقی شاعر از خلال سروده‌هایش آشکار می‌شود. او حاضر

نیست برای متاع دنیاگی، شعر بگوید:

زان‌ها نیم که حُسن فروشم به مال و زر

تقواست زینت من و زهد است زیورم<sup>۷۵</sup>

شیخ آذری در ایات بسیاری از جهات گوناگون به خود افتخار می‌کند:

### عنقای قاف قربتم از آشیان فضل

<sup>۵۶</sup> از قاف تا به قاف جهان زیر شپرم

از اینکه جهان را با سرودن شعرش تحت سیطره خود گرفته است، به خود می‌بالد:

پیداست این حدیث ز سیمای جوهرم  
بر دانشم گواست کلام معنبرم  
خورشید کیست تا ندهد نور در خورم؟  
تامن غلام و چاکر اولاد حیدرم  
<sup>۵۷</sup> گردند زنده از نفس روح پرورم

آینه خزان غیب است خاطرم  
دریای معرفت ز دلسم موج می‌زند  
افلاک چیست تا نرود بر مراد من؟  
شاهان به بندگی من اقرار می‌کنند  
بت‌های آزری که به صورت نداشت جان

او در این بیت خود را هم‌پایه حسان معرفی کرده است:

ایها المقصوم، مذاح تو یعنی آذری

آن که در احسان مدحت همچو حسان آمده

آذری هرچند به شیوه شاعری اش و اینکه مذاح اهل بیت بوده، به خود بالیده است؛  
اما گاهی نیز اظهار فروتنی و تواضع در برابر خاندان عصمت و طهارت ~~لهیلہ~~ می‌کند.  
ایيات ذیل گویای این حقیقت است:

نیست گر شایسته اتباع مقصومی ولیک

هست عمری تا در این حضرت ثناخوان آمده

سال‌ها شد تا دویده در پی نفس و هوا

وز قدم تا فرق در دین غرق عصیان آمده

### سفرهای آذری

به نقل از عباس رستاخیز در مقدمه دیوان، آذری بخشی از عمر ۸۲ ساله خود را در مسافرت گذرانده و در چندین مکان مدتی اقامت داشته است. زمان رفتن و مدت اقامت

او به آن مکان‌ها دقیقاً مشخص نیست و فقط نام اماکن آمده است:  
تبریز، ابخاس، سرحد روم، طبرستان، خراسان، هرات، مکه، دیار بکر، شام، حلب،  
دمشق، فلسطین و قدس، کربلا، نجف، کردستان، شهر دکن هند و سرانجام اقامت در  
اسفراین تا پایان عمر.<sup>۶۰</sup>

## نظری بر شعر و شاعری شیخ آذری

آذری که گاه در پایان اشعارش به جای نام خود، «حمزه» را تخلص می‌کرد، میان هم‌عهدانش از جمله شاعران بزرگ شمرده می‌شد و محل اعتقاد و احترام معاصران خویش، به ویژه شاهزادگان تیموری و بهمنی هندوستان بوده است. وی در حسن عقیده و حدت ذهن و هدایت و ارشاد، مشهور و زبانزد همگان بود؛ چنان‌که شفیق وی را «بت‌تراش سخن و آبادساز میکده این فن» معرفی کرده است.<sup>۶۱</sup> به نظر استاد صفا، هرچند نمی‌توان او را در پایه شاعران استاد قرن هشتم که خود تربیت‌یافته آن‌هاست، گذارد؛ ولی هنر او و هم‌عصرانش اگر به درجه استادی می‌رسیدند، آن بود که بتوانند از عهده جواب‌گویی استادان متقدم برآیند و آذری چنین بود. چنان‌که چون در شاعری نام‌آور شد، سخن‌شناسان دیگر او را آزمودند؛ از جمله خواجه عبدالقدیر عودی مراغه‌ای او را «در چند قصيدة خواجه سلمان ساوجی امتحان کرد و او جواب بر وجهی گفت که پسندیده بزرگان علم و ادب بود. مشاعرة وی با شیخ علی شهاب ترشیزی نیز از آن جمله است. آذری در غزل‌های خود نیز به جواب‌گویی غزل‌های استادان قرن هفتم و هشتم مانند سعدی، امیر خسرو دهلوی و حافظ مبادرت می‌کرد. بعضی مانند خواجه احمد مستوفی او را امیر خسرو دهلوی ثانی دانسته‌اند».<sup>۶۲</sup>

نگارنده کتاب مشاهیر رجال اسفراین معتقد است که هرچند استادان مسلم درباره آذری به داوری نشسته‌اند و فضل و ادب آن‌ها بر ما پوشیده نیست؛ اما به ابعاد ادبی، مذهبی، عرفانی، بحث‌های فلسفی و کلامی آذری و وسعت دانش وی توجهی تام و تمام مبذول نداشته‌اند.<sup>۶۳</sup>

## وفات آذربی

آذربی سرانجام در ۸۲ سالگی درگذشت و در مدرسه‌ای در شارستان اسفراین، نزدیک دروازه شمالی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. به گفته مرحوم تقی‌سی، آذربی همه دارایی خود را وقف قبر خویش کرد و از وقفیات وی، طلاب در آنجا درس می‌خوانندند.<sup>۶۴</sup> بنا به گفته یکی از بزرگان و نویسنده‌گان و معمران اسفراین، تا سال ۱۳۰۷ از محل عایدات موقوفات شیخ آذربی، ساختمان آرامگاه وی را مرمت می‌کردند.<sup>۶۵</sup>

در تذکرة هفت اقلیم آمده است: «بزرگی فرمود که حضرت محمد<ص> را در خواب دیدم که با اصحاب به جایی می‌روند. خواستم سبب را جویا شوم. حضرت خود متوجه شده، فرمودند: به زیارت آذربی می‌روم برای صله بیتی که در مرثیه فرزندم گفت. بیت این است:

سوراخ می‌شود دل ما چون گل حسین

هر جا که ذکر واقعه کربلا رود»<sup>۶۶</sup>

این بیت برگرفته از ترکیب‌بندی نه بندی در رثای امام حسین<علیه السلام> است.

## آثار شیخ آذربی

### ۱. بهمن‌نامه

منظمه‌ای است حماسی-تاریخی، به نقلید از شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی در بحر متقارب. موضوع آن تاریخ سلاطین بهمنی دکن هندوستان است. این منظمه تا زمان حضور آذربی در دکن، به دوران سلطنت احمد شاه (۸۲۰ - ۸۳۸ ق) رسیده بود. از آنجا که آذربی تعهد داشت تا بازگشت به خراسان آن را به اتمام برساند، ظاهراً تا دوران پادشاهی علاءالدین همایون شاه (۸۶۲ - ۸۶۵ ق) به نظم آن ادامه داد و آنچه را می‌سرود، از اسفراین به دکن می‌فرستاد.<sup>۶۷</sup>

به گفته فرشته در کتاب مشاهیر رجال اسفراین، پس از آذربی، نظری و سامعی و شاعران دیگر، این کتاب را تا قبل از انقراض سلسله بهمنی رسانیدند. از این روست که نظم کتاب یک‌دست و یک‌سان نیست، فرشته نام این کتاب را در شمار منابع تاریخ خود

یاد کرده است. برخی از ایاتی که به بحر متقارب مضمون مقصود در بخش مربوط به شاهان سلسله بهمنی (مقاله سوم) در کتاب او دیده می‌شود، از بهمن نامه نقل شده است؛ اما از این کتاب تاکنون نسخه‌ای در فهرست‌ها نشان داده نشده است. کتابی که ذیل فهرست موزه بریتانیا یاد شده، بهمن نامه دیگری است<sup>۶۸</sup>؛ زیرا نسخه بریتانیا در ربيع الأول ۸۰۰ ق. مصادف با نوامبر ۱۳۹۷ میلادی استنساخ شده است؛ در حالی که بهمن نامه آذری طوسی اسفراینی بعد از ۸۳۰ ق. مصادف با ۱۴۲۷ میلادی، در دوران سلطنت احمد شاه بهمنی سروده شده است.<sup>۶۹</sup>

## ۲. جواهر الأسرار

کتابی است در چهار باب: (الف) اسرار کلام الله، (ب) اسرار احادیث نبوی، (ج) اسرار کلام اولیاء، (د) اسرار کلام شعرا. باب اول این کتاب درباره حروف مقطعة آغاز برخی از سوره‌های قرآن، باب دوم شرح و تفسیر عرفانی بعضی از احادیث نبوی، باب سوم در شرح برخی از گفتارهای عارفان و باب چهارم درباره معانی بعضی از مشکلات اشعار شاعران است؛ فصولی هم در باب معما و لغز و دیگر مسائل ادبی مانند موارد مذکور دارد. آذری در مقدمه این کتاب می‌گوید در سال ۸۳۰ ق. که در سوریه بود، کتابی به نام مفتاح الأسرار تألیف کرد و چون به دکن آمد، در سال ۸۴۰ ق. به درخواست دوستان، همان کتاب را تلخیص و به صورتی تازه، دوباره تصنیف نمود<sup>۷۰</sup> که گزیده‌ای از این کتاب به نام منتخب جواهر الأسرار به پیوست اشعة اللمعات<sup>۷۱</sup> جامی و برخی رساله‌های عرفانی دیگر در سال ۱۳۰۳ ق. در تهران به چاپ رسیده است.

## ۳. مرآت:

بنا به گفتة مؤلف خزانة عامره در کتاب مشاهیر رجال اسفراین، مثنوی مرآت، مشتمل بر چهار کتاب است و هر کتاب، نام خاصی دارد:

- (۱) الطامة الكبرى، (۲) عجائب الدنيا، (۳) عجائب الأعلى، (۴) سعى الصفا.

کتاب اول (الطامة الكبرى) درباره مراتب عالم علوی و سُفلی و آرای عالمان و اهل

توحید در تحقیق ایجاد عالم، مراتب موجودات، حکمت وجود آدمی، مناسبت آفاق با انفس و مطالب دیگری از این دست است. شیخ آذری کتاب نخست مرآت را چنین معرفی کرده است:

### در کتاب نخست از مرآت

گفتم آنجا مراتب حضرات

کتاب دوم (غرائب الدنيا، عجائب الدنيا، عجائب الغرائب) منظومه‌ای است از متفرعات بحر خفیف در ذکر عجایب بلاد و نواحی، از چشمها و عمارات و حیوانات و طیور و جز این‌ها که در نظم آن از کتاب‌های عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات و ربيع البار زمخشری استفاده کرده است.

آذری به زبانی ساده، مطالب خویش را به نظم درآورده است. چنان‌که در نمونه زیر از کتاب عجائب الغرائب آمده است:

### هست در فاریاب چشمه آب

علفی هست اندرا آن گرداب

هرکه در آب چشمه می‌خسبد

آن علف، محکم اندرو چسبد

خویشتن را به زور نتواند

که از آن چشمه هیچ برهاند<sup>۷۲</sup>

کتاب سوم (عجائب الأعلى) در عجایب عالم علی و آسمان است.

کتاب چهارم (سعی الصفا) که آذری آن را در تاریخ مکه و آداب مناسک حج، به احتمال زیاد در سال ۸۳۱ یا ۸۳۲ ق. که در مکه مجاور خانه خدا بوده، به رشته تحریر درآورده است.

### ۴. طغای همایون

اسماعیل پاشا بغدادی این اثر آذری را «طغای غرای همایون» نوشته است.<sup>۷۳</sup> برخی

از تذکرہ نویسان برآئند که کتابی با این متن وجود ندارد؛ ولی آذری در سال ۸۵۵ ق. که در اسفراین ساکن بود، برای علاءالدین شاه بهمنی ملقب به همایون نامه‌ای اخلاقی فرستاد و شاه بهمنی هم ضمن ارسال هدایایی، به نامه او پاسخ داد.<sup>۷۴</sup>

## ۵. لیلی و مجnoon

این مثنوی به طور مجزا از دیوان شیخ آذری جمع آوری گردیده و اصل آن در کتابخانه ارمغان محفوظ است. مثنوی لیلی و مجnoon آذری بر وزن لیلی و مجnoon نظامی گنجوی و به تقلید از آن در بغداد منظوم شده است:

این نامه چو زد در تمامی  
بردم بر شیخ خود، نظامی  
آن گشته به مثنوی یگانه  
گردیده در آسمان فسانه  
آن مرشد عاشقان به هر فن  
چون رشته روان به چشم سوزن<sup>۷۵</sup>

بنا بر آنچه در مقدمه دیوان آمده است، او به علت گسیستان از جامعه تسنن و حاکمیت سیاسی و سروdon قصاید مذهبی، از توجه و رغبت عمومی و سیاستمداران عصر خود به دور ماند و مورد عنایت قرار نگرفت؛ لذا آثار او به دست فراموشی سپرده شده است.<sup>۷۶</sup>

## ۶. دیوان اشعار

این دیوان مشتمل است بر قصاید، غزلیات، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، چند مثنوی و.... قصاید آذری بیشتر در مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، رسول اکرم علیهم السلام و ائمه اثنا عشری است. غزلیات او رنگ عرفانی دارد. افزون بر مثنوی «آذر» که تحت تأثیر مثنوی «سوز و گداز» میرزا محمد صادق تفرشی سروده شده، یک مفتّنامه و یک ساقی‌نامه نیز در دیوان او مندرج است.<sup>۷۷</sup>

«اشعاری که در قالب ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و مسمط سروده است، شامل ۳۰۷ بیت می‌شود:

۱. ترجیع‌بندی در چهارده بند، شامل ۱۸۱ بیت در حکمت.

۲. ترکیب‌بندی در سه بند، شامل ۳۶ بیت در منقبت حضرت علی (علیہ السلام)

۳. ترکیب‌بندی در نه بند، شامل ۴۵ بیت در مصیبت امام حسین (علیہ السلام).

۴. مسمطی در نه بند، شامل ۳۶ بیت در منقبت امام زمان (علیہ السلام) و تقاضای ظهور.

در خور ذکر است که مسمط آذری به صورت مثمن یعنی چهاربیتی و متعددالوزن و متعددالقافیه است و با مسمط‌های دیگر شاعران تفاوت دارد. همچنین واژه «امام» را در مصراج هشتم تکرار کرده است».<sup>۷۸</sup>

آذری به غیر از قالب‌های شعری مذکور، تعدادی قطعه و رباعی در موضوعات مختلف نیز سروده است.

استاد سادات ناصری در تصحیح کتاب آتشکده آذر، ذیل نام آذری مجموعه ابیات

دیوان او را بالغ بر ۴۵۰۰ بیت عنوان کرده است.<sup>۷۹</sup>

## تصحیح دیوان

تاکنون آقای عباس رستاخیز دیوان آذری را تصحیح کرده و انتشارات مجلس آن را به چاپ رسانده است؛ اما دکتر یوسف نژاد در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی تصحیح دیوان شیخ آذری» معتقد است که در صورت دست یافتن به نسخ دیگر دیوان آذری، مثل نسخه دانمارک و پاریس می‌توان با دقت بیشتری این اثر را تصحیح کرد.<sup>۸۰</sup>

دیوان چاپ شده آذری براساس نسخ ذیل تحقیق و تصحیح شده است:

۱. نسخه کتابخانه ملی ملک به شماره ۵۹۳۸ که شامل قصاید، ترجیع‌بند، غزلیات، قطعات و رباعیات است.

۲. مجموعه دواوین کتابخانه ملک به شماره ۱۶/۵۳۰۷.

۳. نسخه مجلس سنا جنگ نظم و نثر است به شماره ۵۱۷ که بخشی از ابیات آذری از این مجموعه به دست آمد.

۴. مجموعه اشعار دیگری از مجلس سنا به شماره ۵۳۰ که چهار غزل از آن به دست آمد.

۵. نسخه بادلیان- میکروفیلم آن در دانشگاه موجود است- که شانزده غزل از این نسخه استخراج شده است.<sup>۸۱</sup>

«بنا به نوشتة آقای احمد منزوی، نسخه‌هایی از این کتاب در کپنهاگ، پاریس، بادلیان، بنگاله و موزه بریتانیا موجود است. بنا به آنچه مصححان در مقدمه دیوان آذری گفته‌اند، کوشش فراوانی برای تصحیح متن دیوان به عمل آمده؛ ولی به سبب ناقص بودن دیگر نسخ خطی، ناخوانا بودن، غلط‌نویسی برخی کلمات و افتادگی اوراق کتاب، مقداری از نادرستی‌ها و نواقص همچنان در دیوان باقی مانده است. چنان‌چه از ظواهر امر برミ آید، دسترسی به اکثر نسخی که آقای منزوی معرفی کرده‌اند (به جز نسخه بادلیان) برای مصححان دیوان آذری مقدور نبوده است. نکته دیگر آنکه، قصاید در نسخه خطی فاقد عنوان هستند و با توجه به محتوای ایيات برای آن‌ها عنوان تعیین شده است.<sup>۸۲</sup>

## آذری و دیگر سخنوران

آذری در ایاتی از بزرگان ادب و سخنوران پیش از خود نام برد و به آن‌ها اشاره کرده است و احتمال دارد که از سروده‌های آنان نیز استفاده کرده باشد. سخنورانی که آذری از آن‌ها نام برد، عبارتند از: حسن دهلوی، نظامی گنجوی، مولوی، خاقانی، شیخ احمد جامی ژنده‌پیل و ابوسعید ابوالخیر. در برخی اشعارش نیز به همانندسازی از استادان سخن، همچون سعدی و حافظ پرداخته است.<sup>۸۳</sup> اینک به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود:

حافظ:

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم<sup>۸۴</sup>      از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم

آذری:

ما به درگاه تو شاه! به نیاز آمده‌ایم<sup>۸۵</sup>      بندگانیم سوی بنده‌نواز آمده‌ایم